

## زیر پوست شهر

"دموکراسی درونی:

برخورد نوع اول،

برخورد نوع دوم"

آرش آبادی

\*انجمن ایرانیان: تداوم استعفا و بحران

\*مجمع عمومی فوق العاده انجمن: راهگشا یا بحران ساز؟

\*مبارزه دموکراتیک درونی؛ یک ضرورت

### 1- پیش درآمد:

چند سال پیش، شهروند و ستون "زیر پوست شهر" برخورد با نهادها و سازمان های اجتماعی در درون جامعه ایرانی - کاندایی خودمان را آغاز کرد تا تریبونی برای بیان دیدگاه های درون و برون این نهادها باشد، تا گفتمانی سازنده پیرامون اهداف، وظایف و شیوه های اجرایی این نهادها را در جامعه جاری سازد، تا امکان نقد و نقادی و رشد ظرفیت نقد پذیری را فراهم آورد، تا در آزمونی که فراروی جامعه ما با هدف رشد دموکراسی درونی است یاریگر یکدیگر باشیم، تا به ستایش ارزشها و نفی ضد ارزشها بنشینیم، تا آگاهی جمعی از رویدادها و روابط آشکار و پنهان فعالیت گروهی را افزایش دهد و روند اطلاع رسانی و گزارش دهی به تک تک افراد جامعه و اعضای این نهادها را شتاب بخشد، تا چیزی برای پنهان کردن باقی نماند و با خود و نهادهایمان همان گونه که هستند - با تمامی توانایی ها و ناتوانی ها - رویارو شویم و سخن کوتاه، تا تمرین دموکراسی را جدی بگیریم، مهر خویش را بر زندگی مان حک نماییم، در تصمیم گیری و نهادهای دموکراتیک حضوری سرنوشت ساز داشته باشیم، بی تفاوتی و کناره گیری را پس برانیم، تحمل و احترام به مخالف را پاس بداریم، حقوق انسانی و دموکراتیک یکدیگر را قدر بدانیم، فعالیت های گروهی و همکاری داوطلبانه را رشد دهیم و گام های ارزشمند در راستای خدمت رسانی به جامعه خویش به پیش برداریم.

اکنون نهالی که کاشتیم بار و بر میدهد و تمامی دگر رسانه های جمعی - نشریات، رادیوها و تلویزیون ها- در چنین صحنه ای حاضر میشوند و برنامه های بسیاری را به بررسی، نقد و نقادی و گفت و گوی موافق و مخالف پیرامون عملکرد این نهادها و انتخابات آنها اختصاص میدهند.

خرسندیم که گفتمان ادامه دارد و اوج میگیرد و دیگر نمیتوان با سکوت و پنهان کاری، حقیقت را از دیگران مخفی داشت. کافی است تنها نگاهی به برنامه های فراوان پیرامون موارد فوق در رادیو و تلویزیون و دگر نشریات انداخت تا به درستی راهی که در پیش گرفتیم بیشتر باور کنیم.

### 2- دموکراسی درونی: برخورد نوع اول، برخورد نوع دوم:

در میان نهادهای اجتماعی مان و در عرصه دموکراسی درونی آنها دو نوع برخورد را مشاهده کرده ایم. برخورد نخست از آن کانون مهندسان بود که الگوی مثبتی در این عرصه ارائه نمود و برخورد نوع دوم از آن انجمن ایرانیان که بدترین نمونه را پیش رویمان نهاد.

سال گذشته انجمن ایرانیان رکوردی تازه در عرصه اختلافات درون هیأت مدیره، استعفاهای پی در پی، پلیس کسی، تهمت زدن های بی وقفه و عدم تحمل مخالف، باند بازی، خود محوری و عدم پایبندی به اساسنامه و آئین نامه و مشاجره های غیر اصولی بر جای گذاشت. از هشت تن اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره، شش تن استعفا دادند و کناره گزیدند که اغلب آنها در اعتراض به عملکردهای خلاف اساسنامه خانم پورنگ (رئیس) و آقای کابلیان (خزانه دار) انجمن بود. بازرس انجمن (آقای بهارزاده) پس از اعتراضات فراوان نوشتاری و درخواست گزارش های گوناگون بالاخره طبق اساسنامه مجمع عمومی فوق العاده ای را فراخوان داد که هیأت مدیره آن زمان به مخالفت با آن برخاست و کار به جایی نرسید و ایشان سپس از مقام خویش استعفا دادند در نهایت هیأت مدیره فراخوان مجمع عمومی داد، اما مجمع عمومی عادی تا تنها کسری اعضای هیأت مدیره انتخاب شوند و دیگران در مقام خویش باقی بمانند، حال آنکه پیش از آن خانم زرین فتحیان پور استعفا داده بود و تعداد اعضای هیأت مدیره به کمتر از حد نصاب (چهار نفر) رسیده بود و بر طبق اساسنامه باید

مجمع عمومی فوق العاده برای انتخاب مجدد تمامی اعضای هیأت مدیره را تشکیل میدادند. خانم فتحیان پور در تاریخ 29 ماه مارچ استعفا داده و استعفای خویش را در تاریخ اول ماه اپریل با ارسال فکسی به رئیس هیأت مدیره و به نشریه ما (شهروند) تاکید کرده بودند. از آن پس نیز به گفته آقای سیف زاده (دیگر عضو هیأت مدیره) جلسه هیأت مدیره ای برگزار نشد تا ایشان به طور رسمی استعفای خویش را پس بگیرند و صورتجلسه ای تشکیل شود و بدون حضور آقای سیف زاده هم که جلسات هیأت مدیره به حد نصب لازم (چهار نفر) نمیرسید تا رسمیت پیدا کند و استعفا پس گرفته شود. پس چگونه برخلاف مواد روشن اساسنامه این استعفا غیر معتبر انگاشته شده است، نامعلوم است!

نکته قابل توجه این است که خانم فتحیان پور در برخوردهای قبلی که هیأت مدیره زیر بار انتقادات قرار میگرفت و متهم به خلاف های اساسنامه ای میشد، از طرفداران پر و پا قرص رئیس و خزانه دار بودند و به مخالفان آنها نیز ایراد میگرفتند که گفته هایشان حقیقت ندارد، اما ناگهان در استعفانامه خویش آنان را به اقدامات مخالف اساسنامه و آیین نامه متهم میکنند. پرسش اینجاست که اعضاء به کدام گفته خانم فتحیان پور باید اعتماد کنند و آیا ایشان در این مورد توضیحی دارند یا خیر؟ آیا ایشان شتابزده و با ادعاهای نادرست تصمیم به استعفا گرفتند که شتابزده نیز آن را پس میگیرند و یا آن که در پس اقدامات و گفته هایشان منطقی وجود دارد و دلایلی برای آن دارند؟ پس چرا این دلایل را از تمامی اعضای انجمن پنهان نگاه میدارند و شرح جزئیات خلاف های اساسنامه ای رییس و خزانه دار را به اطلاع آنها نمیرسانند؟ به راستی به چه برخورد و عملکرد ایشان اعتماد باید داشت: استعفا و یا پس گرفتن آن؟

و پرسش دیگر: چرا هیأت مدیره و بویژه رییس و خزانه دار هیچ سخنی در این موارد بر زبان نمیرانند، چرا تمامی اعضای انجمن را نامحرم می انگارند و هیچ گزارشی در مورد تمامی این رویدادهای مهم آنها نمیدهند؟ در پس این پنهانکاری چه انگیزه ای نهفته و آیا پنهان کاری، بی خبر نگه داشتن اعضاء و انحصار شخصی اطلاعات تنها به این مورد تمام میشود یا باز هم...

### \*متن استعفای خانم فتحیان پور (منشی انجمن):\*

ریاست محترم انجمن ایرانیان انتاریو، خانم دکتر پوررنگ:  
محترماً پیرو نامه مورخه 29 مارچ 2002 اینجانب زرین تاج فتحیان پور عضو هیأت مدیره و منشی انجمن و عضو فعال که در خدمت جامعه ایرانی در کانادا و در انجمن بوده ام، مجدداً استعفای خود را تایید مینمایم. بنا به اقدامات شما هیأت مدیره که مخالف اساسنامه می باشد و حتی آیین نامه، به همکاری با شما نمیتوانم ادامه دهم. اینجانب جوابگویی هر سؤالی که از سوی شما بیان شود، میباشم.

زرین تاج فتحیان  
2002/4/1

### استعفای آقای حمید سیف زاده:

با ناروشن ماندن تکلیف استعفای خانم فتحیان پور، آقای سیف زاده در تاریخ 30 اپریل از عضو هیأت مدیره استعفا میدهند. بدین ترتیب چه خانم فتحیان استعفای خود را پس گرفته باشند و چه خیر، دیگر تعداد اعضای هیأت مدیره به کمتر از حد نصاب یعنی چهار نفر میرسد و بر طبق ماده 3-4 اساسنامه انجمن، در صورتی که مجموع تعداد اعضای هیأت مدیره به کمتر از 4 نفر تقلیل یابد هیأت مدیره موظف است که حداکثر تا مدت دو ماه پس از کاهش اعضاء، به کمتر از چهار نفر، مجمع عمومی فوق العاده را برای انتخاب کلیه اعضای هیأت مدیره و علی البدل دعوت نماید. اما همچنان از سوی خانم پورنگ و آقای کابلیان اعلامیه فراخوان مجمع عمومی عادی تصحیح نمیشود و در نشریات و رسانه ها اعلام نمیگردد که مجمع عمومی به تاریخ سنبله هیجدهم ماه می، مجمع عمومی فوق العاده خواهد بود و انتخاب تمامی اعضای هیأت مدیره را در دستور مجمع نمیگذارند تا اعضاء با خبر شوند و آمادگی لازم را داشته باشند و به راستی چرا؟

### \*انتخابات جدید اعضای هیأت مدیره انجمن:

به هر حال چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه بخواهند و چه نخواهند، انتخاب هیأت مدیره جدید در دستور مجمع عمومی فوق العاده آینده است. انتخابی که باید مسئولانه و آگاهانه و متکی به شناخت کامل باشد تا گذشته ناخوشایند تکرار نشود. بر چنین بستری یکی از مسائل مورد بحث مسئله انتخاب افراد متقاضی پناهندگی در هیأت مدیره است. نخست باید روشن کرد که در اساسنامه انجمن هیچ ماده، بند و تبصره ای وجود ندارد که عضویت این افراد را در هیأت مدیره مانع شود. اما طرح بحثی که وجود دارد اینست که این عزیزان هنوز برگه اقامت دائم دریافت نکرده اند و در انتظار تعیین تکلیف نهایی میباشند که متأسفانه ممکن است به درازا نیز بکشد. از سوی دیگر، هیچ نماینده مجلس، مقام

حکومتی، مسئول اداری و یا نهاد رسمی در کانادا حقوق شهروندی این عزیزان را به رسمیت نمیشناسد و با آنها طرف نمیشود، چرا که وضعیت پذیرش و اقامتی آنها یا درهواست. بنابراین این عزیزان نمیتوانند در مقام عضویت هیأت مدیره کارایی لازم را داشته باشند.

افزون بر این، به علت تازه وارد بودن و مشکلات تشکیل پرونده، دادگاه و وکیل و غیره، با سیستم های حکومتی، اداری و اجرایی و روابط اجتماعی در کانادا آشنا نیستند و نمیتوانند طرح های سازنده و ارزشمندی را ارائه داده و به پیش ببرند. آنها تجربه لازم در عرصه کار داوطلبانه و روابط دموکراتیک را در کانادا به دست نیاورده اند و گاه بسیاری از سوءتفاهمات ناشی از کمبود شناخت و تجربه آنها میباشد.

سویه دیگر قضیه، دامن زدن به بدگمانی اعضا و دیگران است که مبدا این عزیزان برای تثبیت وضعیت خود و به دست آوردن توصیه نامه ها و سفارش هایی در چنین مقامی قرار میگیرند و این موردی است که حتی بر زبان تنی چند از همین اعضای هیأت مدیره نیز جاری شده است.

با چنین وضعیتی، آیا بهتر نیست این عزیزان تا تعیین وضعیت پرونده اقامتی شان عضو هیأت مدیره نشوند و جای کسی را اشغال نکنند که احتمالاً میتواند با کارایی، توانایی، تجربه و آرامش خیال بیشتر به انجمن خدمت کند و حتی از حقوق خود این عزیزان در نهادها و مراکز گوناگون بهتر حمایت نماید؟ آیا جلوی بدگمانی و شایعه پردازی بیشتر به این ترتیب سد نمیشود؟

از سوی دیگر بدون شك انگیزه این عزیزان از همکاری داوطلبانه با انجمن چیزی جز خدمت به جامعه نیست، آیا این خدمت بدون عضویت در هیأت مدیره قابل ارائه نیست؟

### \* مبارزه دموکراتیک درونی، يك ضرورت:

مبارزه درونی در انجمن ایرانیان اشکال نادرستی به خود گرفته که گاه سر به توهین، فریاد، باندبازی، پلیس کشی، افترا و تهمت، نابوری به یکدیگر، منفی بافی، غیبت و ترور شخصیت میزند.

شاید وقت آن رسیده باشد که دست از چنین برخوردهایی بشوییم و به مبارزه دموکراتیک درونی روی بیاوریم. اکنون دو جناح یا بیشتر در انجمن در برابر هم صف کشیده اند اما سوال اینجاست که چرا این جناح ها به طور علنی دست به مبارزه دموکراتیک انتخاباتی نمیزنند؟ چرا فهرست نامزدان، برنامه انتخاباتی و انتقادات خود به جناح دیگر را به طور مشخص تدوین و منتشر نمیکنند؟ این بخشی از حقوق دموکراتیک آنهاست. چرا آشکارا و صادقانه با اعضا سخن نمی گوئیم تا آگاهی آنها افزایش یابد و انتخاباتی آگاهانه را در پی داشته باشد؟ چرا تحمل مخالف و ظرفیت نقدپذیری خویش را اندکی افزایش نمیدهیم تا در مجمع عمومی با احترام با یکدیگر سخن بگوئیم و به چاره اندیشی و انتخاب بنشینیم؟ چرا حقوق و شأن انسانی یکدیگر را پاس نمیداریم؟

با چنین برخوردی است که مجمع عمومی راهگشا خواهد بود و آینده بهتری را رقم خواهد زد و در غیر اینصورت خودخواهی، رنجش، نابردباری، توهین و تهمت، عصبیت و خشم، توطئه و باندبازی و سرانجام بی تفاوتی و کناره گزینی و بی اعتمادی اعضا بر هم انباشته خواهد شد و بحران، فرازی دیگر را آغاز خواهد کرد.

زمان آنست که بیش از خود به انجمن و جامعه ایرانی - کانادایی بماندیشیم.

### \* پلیس کشی و ممنوع الورد و خدمت کردن يك عضو هیأت مدیره:

تحمیل يك جو پلیسی و ترس آور (ترس از وکیل، دادگاه، مخارج محاکمه، بازداشت، سابقه بد و ...) به يك نهاد دموکراتیک و مردمی زیان بار است و بدتر آن که يك عضو هیأت مدیره را که احتمالاً مخالف نظرات ما میباشد از حضور در انجمن و ادامه خدمت محروم نماییم. توجه داشته باشیم که این فرد عضو هیأت مدیره و نماینده آرای میباشد که در مجمع عمومی (یعنی بالاترین رکن انجمن) به دست آورده است و حق حضور در انجمن و رهبری انجمن از سوی مجمع به او داده شده است.

حال چگونه ممکن است به صرف مخالفت و یا حتی برخورد و توهین شفاهی که معلوم نیست کدام طرف در آن مقصر بوده (اگرچه که غالباً دو طرف مقصر میباشند، چون حداقل میتوانند با آرامش جلسه را ترك کنند و میانجیگری و تصمیم گیری را به عهده اکثریت اعضای هیأت مدیره بگذارند)، از انجام چنین وظایفی بازداشت. این يك حذف پلیسی - دادگاهی يك عضو هیأت مدیره است، بخصوص که روند برگزاری محاکمه غالباً در کانادا بسیار طولانی است و تا پایان دادگاه و صدور حکم قاضی، کسی را نمیتوان گناهکار شناخت و حقوق شهروندی (و در اینجا انجمنی) او را زیر پا گذاشت. نمیدانم چگونه میتوان چنین شکایت های شخصی و قانونی را پی گرفت، اما باید چاره ای اندیشید تا پای شکایت به انجمن و ممنوع الورد کردن نیانجامد. بازرس انجمن هم یکی از دلایل استعفای خود را ترس از چنین پرونده سازیهایی اعلام کرد و برخی از اعضا نیز میگفتند که میترسند به انجمن پا بگذارند، مبدا که درگیری برپا شود و پای پلیس و دادگاه به میان آید.

## گفت وگو با حمید سیف زاده عضو مستعفی هیأت مدیره

**\* دلیل استعفای شما چیست؟**

- دلیل اصلی استعفا این بود که اعمال خانم پورنگ (رئیس) و آقای کابلیان (خزانه دار) اصولاً با اساسنامه و آیین نامه انجمن منطبق نبود. من امیدوارم در انتخابات آینده، افراد جدیدی که برای عضویت در هیأت مدیره انتخاب میشوند به قانون و اساسنامه احترام بگذارند و گذشته را جبران کنند. کسی که عضو هیأت مدیره میشود، به هیچ وجه نبایستی برای سرکوب همکار خود به پلیس رجوع کند و این کار برای کل ایرانیان ننگ است.

**\* پس چه کسانی موافق با مسئله پلیس کشی و ممنوع ورود کردن يك عضو هیأت مدیره بودند؟ آیا در جلسه هیأت مدیره مسئله شکایت به پلیس تصویب شد یا خودسرانه این کار را کردند؟**

- آقای کابلیان و خانم ها پورنگ و فتحیان پور موافق شکایت به پلیس و گشاندن مسئله به دادگاه بودند، اما مسئله در جلسه هیأت مدیره تصویب نشد و سرخود این کار را کردند. من تمام کوشش خودم را کردم تا آشتی بکنند، اما بخصوص آقای کابلیان با تعرض و با حالتی که من هیچ انتظار نداشتم، مخالفت کردند و گفتند آقای کتابیان باید به دادگاه برود و غیره. اصولاً چه کسی رغبت مراجعه به انجمنی را میکند که پلیس آنجا حضور دارد. متأسفانه من بعد از جشن نوروزی هم متوجه شدم که دو نفر پلیس را هم به جشن آورده بودند و من میدانم چه مبلغی به آنها پرداخته بودند و حتی به من هم نگفته بودند.

**\* یعنی این مسائل در جلسات هیأت مدیره مطرح نشده بود؟**

- خودشان دو نفر تصمیم میگیرند و اجرا میکنند و اصلاً ضرورتی نمی بینند که دیگر اعضای هیأت مدیره را در جریان بگذارند یا رأی گیری کنند.

**\* در متن استعفای خود به تخلفات فراوان اساسنامه ای از سوی خانم پورنگ و آقای کابلیان اشاره کرده اید. این مسئله را من در استعفانامه خانم فتحیان پور و گزارش آقای بازرس هم مشاهده کرده ام. میتوانيد به موارد مشخصی از این تخلفات اشاره کنید؟**

- برای مثال در طول يك سال گذشته سه جشن در انجمن (آگوست، یلدا و نوروز) برگزار شد که هنوز صورتحساب و هزینه آنها را به هیأت مدیره ارائه نداده اند. صورت جلسه ای در مورد آنها نداریم و من خبری از آن ندارم. خودشان سرخود و بدون آگاهی اعضای هیأت مدیره هرکاری را میخواهند انجام میدهند و سپس دیگران را در برابر کار انجام شده فرار میدهند و تازه بعد از انجام طرح هایشان هم، حاضر نشده اند که مسئله را با تمام ابعادش در جلسه مطرح کنند و اطلاعات اندکی در اختیار دیگران بگذارند. خودشان تصمیم به تعمیر کامپیوترها و آماده کردن آنها برای اینترنت گرفتند و اصلاً گزارش در مورد هزینه این کار ارائه نداده اند و هنوز هم اینترنت را وصل نکرده اند. در پاسخ پرسش های ما هم جوابهای متناقضی میدهند و در نهایت هم اعلام کردند که دوازده هزار دلار باید خرج کابل کشی و وصل اینترنت شود که اصلاً معلوم نیست این حرف نامعقول را بر چه اساسی میزنند. یا مثلاً من خواهش کردم اجازه بدهند که در جلسات بینگو و لاتاری حضور داشته باشم تا بتوانم در صورت پرسش اعضا پیرامون این قضیه پاسخ درستی بدهیم که این سیستم چگونه کار میکند. متأسفانه این درخواست را به گونه ای به آقای آرساک منتقل کردند که گویا من به کار ایشان شک دارم و بعد که من به ایشان توضیح دادم، قرار شد که ایشان يك بار مرا دعوت کنند تا در جلسات بینگو شرکت کنم که هنوز که هنوز است چنین دعوتی صورت نگرفته است.

**\* یعنی در مورد چگونگی کسب درآمد از محل بینگو و لاتاری و چگونگی هزینه کردن آنها گزارشی در جلسات هیأت مدیره ارائه نشده است؟**  
- اصلاً.

**\* پس به نظر شما هم انتقادات بازرس انجمن آقای بهارزاده در این مورد که گزارش و ترازهای مالی را در اختیار اعضا و بازرس نمیگذارند، صحیح است؟**  
- مسلماً.

**\* دلیل استعفای خانم فتحیان پور (منشی انجمن) چه بود و چه شد که استعفایشان را پس گرفتند؟**

- به خانم فتحیان پور بی احترامی فراوانی از سوی این دو نفر میشد و برای مثال آقای کابلیان با يك ارباب رجوع مینشستند و وقتی خانم فتحیان پور میخواستند به عنوان عضو هیأت مدیره و منشی در آن جلسه شرکت کنند، او را راه نمیدادند و یا بعد که میپرسید قضیه چه بود، به او پاسخ میدادند که به شما

مربوط نیست. این بود که با تمام صبرش، نتوانست این را تحمل کند و به ناچار استعفا داد، ولی چون فکر میکرد که هیأت مدیره باید با استعفای او موافقت کند، دوباره بازگشت و او را منصرف کردند. اما باز هم برخلاف اساسنامه پس گرفتن استعفای ایشان در جلسه هیأت مدیره مطرح نشد و اصلاً جلسه ای برگزار نشد و بعد از رفتن من هم که از نظر قانونی جلسه هیأت مدیره ای نمیتوانست برگزار شود چون از حد نصاب افتاده است و اصلاً حدود سه ماه بود که جلسه هیأت مدیره ای برگزار نمیشد.

\* تعداد اعضای انجمن در حال حاضر چه تعداد است و آیا شما فهرست دقیق آنها را مشاهده کرده اید؟

- من اطلاع دقیقی در این مورد ندارم و هیچ فهرستی به جلسات هیأت مدیره ارائه نکرده اند. از سوی دیگر با توجه به تردیدهایی که وجود دارد و اشتباهاتی که قبلاً در این مورد صورت گرفته است، امیدوارم اطلاعات دقیقی به مجمع عمومی فوق العاده ارائه کنند و تنها از اعضا نخواهند که با ارائه برگه های عضویت در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت کنند. ممکن است عده ای این برگه ها را گم کرده باشند. کپی زرد رنگ برگه های عضویت در اختیار رئیس هیأت مدیره است و بهترین کار این میباشد که هیأت نظارتی در مجمع عمومی انتخاب شود و فقط به کسانی حق شرکت در جلسه مجمع عمومی را بدهند که یا برگه عضویت خود را ارائه دهند، یا برگه کپی زرد رنگ عضویت آنها موجود باشد و یا در همان زمان مجمع عمومی حق عضویت بپردازند.

من به هر حال امیدوارم که هموطنان و اعضای عزیز انجمن از وضع انجمن ناامید نشوند. من اینها را نشانه ضعف از یک سو و از سوی دیگر گامی برای رشد میدانم. باید همگی همدلی و کوشش کنیم، در مجمع عمومی و انتخابات حتماً شرکت کنیم، بی تفاوتی را کنار بگذاریم و به گونه ای مصمم در کارهای انجمن دخالت کنیم. امیدوارم روی افرادی که میخواهند انتخاب کنند شناخت داشته باشند و افرادی را که حداقل مقیم کانادا باشند، انتخاب کنند که کارهای اقامتی و گذرانشان پا در هوا نباشد. از هموطنان خواهش میکنم با شور، هماهنگی و تصمیمی راسخ در این باره اقدام کنند.

عاشق باشید